**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

عرض شد که آیا عمل وسواسی که از روی اختیار صادر می‌شود از احکام خمسه معنون به چه حکمی است؟

محقق خویی و شهید صدر فرمودند ما دلیل بر حرمت عمل وسواسی نداریم و مضمون صحیحه عبدالله بن سنان که این بود او اطاعت شیطان می‌کند، شهید صدر با توضیحی فرمودند اطاعت از امور قصدیه است، و او اینجا قربه الی الله انجام می دهد لذا اطاعت شیطان معنا پیدا نمی‌کند و گویا تعبیر در روایت مسامحی است.

عرض ما این است که **اولاً:** چنانچه در مقدمات اشاره کردیم وقتی عمل شخص وسواسی واکاوی می‌شود از او و پرس وجو می‌شود، او اقرار می‌کند که اینگونه تکرار را خدا از او نخواسته است ولی‌ گویا یک الزام درونی او را وادار به انجام می‌کند که ذیل صحیحه هم امام علیه السلام می‌فرمودند از او بپرسید که چرا این کار را تکرار می‌کند؟ می‌بینید جواب می‌دهد وسوسه است.

عرض ما به شهید صدر این است که وقتی‌که خود عامل معتقد است این عمل برای خدا نیست و یک داعی دیگری است هزار بار به زبان بگوید قربه الی الله مگر این عمل عبادی می شود؟

لذا اینجا از مصادیقی است که کاملاً انسان می تواند ادعا کند لعب به امر مولاست و استهزاء به امر مولاست. . مولا به زبانهای مختلف در روایات مختلف می‌گوید این تکرار را از تو نمی‌خواهم، اما او می‌گوید نه خدایا من انجام می‌دهم، تو نمی‌خواهی ولی من انجام می‌دهم این لعب به امر مولاست.

**ثانیا:** اگر صحیحه عبدالله بن سنان یک نحوه توجیهی داشته باشد که شهید صدر اشاره کردند، ما روایت معتبر دیگری داریم که نسبت به شخص وسواسی یک نهی و یک امر در آن هست.

ظهور امر و نهی در مولویت است لذا دوتا وظیفه شرعی این روایت برای شخص وسواسی درست می‌کند و اگر با این دو وظیفۀ مولوی مخالفت کند گناه کرده و عمل او حرام است .

روایت را ببینید صحیحه زراره و ابی بصیر: « عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالا قُلْنَا لَهُ الرَّجُلُ يَشُكُّ كَثِيراً فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى وَ لَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ قَالَ يُعِيدُ قُلْنَا لَهُ فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا عَادَ شَكَّ قَالَ يَمْضِي فِي شَكِّهِ ثُمَّ قَالَ لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِنَقْضِ الصَّلَاةِ فَتُطْمِعُوهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوِّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ وَ لَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ قَالَ زُرَارَةُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَى أَحَدِكُمْ.»[[2]](#footnote-2).

اینجا یک امر است و یک نهی. « لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» این نهی ظهور در مولویت دارد و حرام است. حق ندارید کاری کنید که این خبیث عادت کند و مرتب به سراغ شما بیاید، « فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ » صیغۀ امر است ظهور در وجوب دارد باید یکی از شماها کسی که مشکل دارد در همان وهمش برود و همان احتمال مرجوح مرجوح را بگیرد و نباید به شکش اعتنا کند. اینجا یک نهی داریم ظهور در مولویت دارد عجیب است که محقق خویی همه اینها را حمل بر ارشاد می‌کنند! به چه دلیل حمل بر ارشاد می‌کنید؟ ظاهرش مولویت است. و بعد جالب است امام علیه السلام به روشنی بر عمل وسواسی اطاعت الشیطان اطلاق می‌کنند و بعد می فرمایند به حرفش اعتنا نکنید و معصیتش کنید. بعد شهید صدر چگونه اینجا توجیه می‌کند اطاعت از امور قصدیه است و اینجا مثلا اطاعت الشیطان نیست.

نگاه ما این است که با توجه به این روایات بدون شبهه اگر احتیاط و تکرار عمل منطبق بر وسواس شد نه تنها حسنش از بین می‌رود بلکه باعث می‌شود این عمل وسواسی و اعتنای او به وسوسه شیطان یک عمل منهی عنه باشد.

دقت کنید برای کارورزی دو سه تا مثال اشاره می‌کنیم کتب فقهی را مراجعه کنید.

**مثال اول:** جواهر الکلام ج 17 ص 183 در بحث اعتکاف « و من الحوائج طلب الاحتياط في غسل أو إزالة نجاسة و نحوها ما لم يدخل في الوسواس، فان دخل فسد الاعتكاف..»

می فرمایند معتکف در مواردی جواز خروج از مسجد دارد. یکی از موارد حاجت و نیاز که معتکف از مسجد می‌تواند بیرون برود صاحب جواهر می‌فرمایند احتیاط در غسل یا ازالۀ نجاست است. احتیاط حسن است مجوز خروج در اعتکاف هم می‌شود از مسجد اما تا وقتی که عنوان وسواس بر این احتیاط منطبق نشود اگر عنوان وسواس داخل شد، دیگر بیرون آمدن مجوز ندارد حاجت شرعی نیست اعتکافش باطل می‌شود.

**مثال دوم:** صاحب عروه در عروۀ الوثقی می فرمایند: « إذا شكّ في صحّة قراءة آية أو كلمة يجب إعادتها إذا لم يتجاوز و يجوز بقصد الاحتياط مع التجاوز، و لا بأس بتكرارها مع تكرّر الشكِّ ما لم يكن عن وسوسة، و معه يشكل الصحّة إذا أعاد (3) »[[3]](#footnote-3).

اگر شک کند در صحت قرائت آیه‌ای یا کلمه‌ای باید اعاده کند اگر تجاوز از محل نبود احتیاطا می‌تواند اعاده کند، احتیاط حسن است مادامیکه عنوان وسوسه بر آن منطبق نشود.

حاشیۀ محقق خویی را در عروۀ الوثقی ببینید که می‌فرمایند هر چند وسوسه بر آن منطبق می‌شود ولی بعید نیست حکم به صحت نماز کنیم.[[4]](#footnote-4)

یک نکته را اشاره کنیم که مواردی داریم تکرار عمل الان عنوان وسواس ندارد ولی اگر بر طبق احتیاط عمل‌کند و چند بار عمل را تکرار کند وسواسی می‌شود این وضعیت چگونه است؟

روشن است که مسئله برمی‌گردد به این مسئله اصولی وقتی عنوان وسواس حرام بود آیا مقدمۀ این حرام، حرام است یا نه؟

آنانی که می‌گویند مطلقا مقدمۀ حرام، حرام است یا مقدمۀ موصله حرام است اینجا باید فتوا به حرمت دهند لذا عبارت صاحب جواهر در مباحث طهارت و نجاست را ببینید: « لكن مع ذا لا بأس بالاحتياط............... نعم قد يكون ذلك مرجوحا بالنسبة إلى عدمه إذا احتمل ترتب الوسواس عليه، كما أنه يحرم لو كان مقدمة له أو هو منشأه.»[[5]](#footnote-5).

صاحب عروه در کتاب الطهاره بحث مفصلی در طرق حصول نجاست دارند. راههایی که انسان می‌تواند اطمینان پیدا کند شی نجس است یا تنجس دارد یا علم وجدانی است یا بینه عادل است «و فی کفایه العدل الواحد اشکال». اینکه اگر عدل واحد شهادت داد لباست نجس است آیا اعتنا کند یا نه؟ اشکال است.

بحثی است در اصول بحث کردیم آیا خبر عدل واحد در موضوعات حجت است یا نه؟ بحث کردیم گفتیم حجت است اما ایشان تردید دارند می‌فرمایند اگر عدل واحد گفت لباست نجس است اشکال است. دو وجه دارد اعتنا کند یا اعتنا نکند. بعد می‌فرمایند: «و في كفاية العدل الواحد إشكال فلا يترك مراعاة الاحتياط و تثبت أيضا بقول صاحب اليد بملك أو إجارة أو إعارة أو أمانة بل أو غصب و لا اعتبار بمطلق الظن و إن كان قويا فالدهن و اللبن و الجبن المأخوذ من أهل البوادي محكوم بالطهارة و إن حصل الظن بنجاستها بل قد يقال بعدم رجحان الاحتياط بالاجتناب عنها بل قد يكره أو يحرم إذا كان في معرض حصول الوسواس.»[[6]](#footnote-6).

بنابراین نکتۀ اخیر این شد اگر عملی انجام دهد در معرض وسواس قرار گیرد و احتیاط و تکرار عمل، آنانی که می‌گویند مقدمۀ حرام، حرام است اینجا باید فتوا به حرمت این احتیاط و تکرار عمل بدهند.

این تمام کلام در عنوان اول، عنوان اولی که حسن احتیاط را از بین می‌برد عنوان وسوسه و وسواس است.

عنوان دوم خواهد آمد.

1. - جلسه 31 – مسلسل 246– ‌‌‌سه‌شنبه – 09/09/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‌3، ص: 358. [↑](#footnote-ref-2)
3. - العروة الوثقى (المحشى)؛ ج‌2، ص: 535. [↑](#footnote-ref-3)
4. - العروة الوثقى (المحشى)؛ ج‌2، ص: 535:«(3) لا يبعد الحكم بالصحّة. (الخوئي).». [↑](#footnote-ref-4)
5. - جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌6، ص: 170. [↑](#footnote-ref-5)
6. - العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج‌1، ص: 73. [↑](#footnote-ref-6)